

پیوندهای فراملی افراط‌گرایی ضد دولتی دورنمای عملکردهای "داعش خراسان" در کشورما عواقب احتمالی و پس‌منظرگذار از حاشیه به متن

مشکل ملت‌سازی و معضل ساخت دولت مدرن در کشور
محدودیت‌های دولت‌سازی در کشور عزیزما افغانستان
ضرورت تغییر معادلات سیاسی - نظامی در میهن ما
دستجات مسلح نامتحد

قبل از همه، این مسأله قابل‌یاددانه‌ی پنداشته می‌شود که افراط‌گرایی بمثابة مفهوم مبهمی پنداشته شده که معانی ذیل را در بر دارد: ۱- داشتن ایده‌های سیاسی تا نهایت ممکن، بدون توجه به پیامدهای "تأسف‌بار" عملی نبودن، استدلال‌ها و احساسات مخالف به‌هدف مقابله با مخالفان و حذف آنها. ۲- عدم تحمل دیدگاه‌های دیگران نسبت بنظر خود. ۳- بکارگیری وسایلی بمنظور تحقق اهداف سیاسی بدون توجه به ستاندردهای رفتاری پذیرفته شده که نشانگر عدم توجه به زندگی، آزادی‌ها و حقوق انسانی دیگران باشد. در افراط‌گرایی دینی، معتقدان بیک تفکر خاص، اعتقادات و رفتار دیگران را نادرست و انحراف‌آزادین می‌دانند. در مواردی با ابزار دینی تکفیر، آنها را ملحد یا مشرک اعلام نموده و آنها را سزاوار مجازات می‌پندارند. بگونه نمونه، افراط‌گرایان تکفیری و هابی، از جمله سپاه صحابه در پاکستان، اهل تشیع را بدلیل عزاداری‌های ماه محرم، واجب‌القتل می‌دانند. همین افراط‌گرایان دینی، طرفداران اصلاح و نوگرایی را بدعت‌گذار بشمار آورده و تحمل اختلاف‌های جزئی با همفکران خورا ندارند. آنگونه کافر افراط‌گرایان تکفیری "داعش" و جبهه "النصره" در سوریه که هر دواز شاخه‌های "القاعده" بودند، با شدت خشونت باری همدیگر شان را قلع و قمع مینمایند. افراط‌گرایی مذهبی و توسل به خشونت و آدمکشی بنام دین و بویژه کشتن پیروان ادیان و مذاهب دیگر با تمسک بدین و صرفنظر در بسیاری از موارد، پایه و اساس دینی نداشته و ارزشهای مادی، انگیزه اصلی آن می‌باشد که نباید بهیچوجه به برداشت و توجیه دینی نسبت داده شود.

آیا واقعن تاریخ در حال تکرار می‌باشد؟ قبل از ارائه پاسخی به پرسش متذکره، یاددانه‌ی بعمل می‌آید که در امتداد سال ۱۳۶۷ خورشیدی، زمانی که فراخواندن قطعات محدود نظامیان شوروی از کشورما به میهن شان ابلاغ گردیده و به ترک سرزمین و اراضی افغانستان مبادرت ورزیدند، مجاهدین باقتدار سیاسی در کشور دست یافته اما هرگز با هم متحد نشده، چه که در بسا موارد مهم کشورداری باهم اصلن سرسازگاری نداشته و در نهایت امر، با ایجاد تنش‌ها، خصومت‌ها و دشمنی‌های آشکار و نهان و درگیری‌های مسلحانه در داخل محدوده کشور عزیزما بویژه منجر به ویرانی بیشترین بخش‌های شهر کابل گردیده و آنرا به شهر ارواح مبدل نمودند. در وضعیت اینچنینی که سراپای جامعه راه‌برج و مرج فرا گرفته و بی قانونی بیداد می‌کرد، راه و مسیر کسب قدرت توسط "طالب"ها را فراهم نموده و در امتداد سال‌های ۱۳۷۴ - ۱۳۷۹، سکان رهبری و هدایت کشور را در اختیار داشتند. اما با سیر حوادث و چگونگی نحوه شکل‌گیری آنهمه اتفاقات، وضعیت در کشور متحول گردیده و شرایط جدید و نوینی عرض اندام نمود که با شرایط و اوضاع قبلی متفاوت بنظر می‌رسید. حقایق روزمره‌گی بازگوی این حقیقت می‌باشد که بویژه و قبل از همه، رهبران این گروه، از جهان بینی و طرزنگاه عمیقن محکم و خشن محافظه کارانه ای پیروی می‌نمایند که نظیر آن در تاریخ اندک بمشاهده می‌رسد، اما وقایعی که در کشور عزیزما اتفاق افتاده و آنچه پس از این در شرف تکوین می‌باشد، پایست با جمع مغز سرد و در نظر داشت واقعیت‌ها مورد بررسی و کنکاش قرار داده شود

تازیکسو حقایق را آنسانی که هست، بر ملا نموده و در معرفی چهره های واقعی و چگونگی کنش ها و واکنش های مطرح در مورد، سهمی ادا نموده باشیم. در کشور عزیز ما افغانستان، از موجودیت پررنگ واقعیت های موجود از جمله بنمایش گذاشتن عزم و اراده بانوان کشور در امر تداوم مبارزه بمنظور دستیابی بحقوق و آزادی های مدنی و اشتراک در حیات سیاسی کشور نام برد. می توان گردهمایی ها و تظاهرات اعتراضی بانوان کشور را بمتابۀ نخستین سیگنال و بارزترین نشانه ای مبنی بر عدم پذیرش نظم قبلی و اصول قدیمی در جامعه محسوب نمود. قابل یادها نی پنداشته می شود که در کنار سایر موارد مطرح در کشور، از نبود و فقدان نمایندگی مساویانه و سهمگیری عادلانه همه شهروندان در امر اداره رهبری اجتماعی - سیاسی کشور بمفهوم وسیع کلمه، نام برده شود.

موجودیت گسترده و همه گیر مشکلات امنیت اقتصادی در کشور، بحث دیگر نیست که قابل تأمل جدی پنداشته می شود. در کنار تدابیر کنونی اتخاذ شده، اما وضعیت و شرایط اقتصادی در میهن ما همچنان قابل اندیشه میباشد. بسیا ری هاهم چنین می پندارند که وضعیت دشوار کنونی اقتصادی و معیشتی شهروندان کشور، بیش از همه و قبل از سایر موارد، عدم دسترسی کامل "طالب" ها به ذخیره دالری دولت می باشد، چه، بخش قابل ملاحظه ذخیره یاد شده توسط ایالات متحده مسدود گردیده و چنین ادعا می گردد که "طالب" ها صرف به ۰،۱ درصد از ذخیره ۹،۴ میلیارد دالری کشور دسترسی دارند. بر بنیاد بررسی های انجام شده، تورم در کشور در حال افزایش بوده، سیستم بانکی کشور تا حدود زیادی فلج گردیده، شهروندان کشور قادر به برداشت وجوه پولی از حساب های بانکی شان نبوده و در نهایت امر، سیستم مراقبت های بهداشتی که بگونه همه جانبه و وسیعی به کمک ها و امداد های کشورهای خا رچی متکی است، نیز در شرف سقوط می باشد.

نباید فراموش نمود که بمنظور جلوگیری از فروپاشی بیشتر اقتصادی - اجتماعی، "طالب" ها باید درباره چگونگی موضعگیری جامعه جهانی در مورد حاکمیت کنونی در کشور و درباره جستجوی راه و چاره ای در این عرصه تأمل بیشتری نمایند.

چنین سرو صداهایی نیز بگوش می رسد کاگر "طالب" ها خواهان تداوم کمک ها بوده و مهمتر از همه، اگر خواستار تحقق برسمیت شناختن حاکمیت کنونی در کشور توسط جامعه بین المللی می باشند، بنابراین نباید در نیمه راه متوقف گردیده، بلکه باید بایجاد و تداوم تماس ها و انجام ملاقات ها با جامعه بین المللی مبادرت ورزند.

بسیاری از رهبران کشورهای جهان معتقدند که در مورد افغانستان باید بحث های سازنده ای راه اندازی گردد، آنها همچنان یاددهانی نموده و تأکید بعمل می آورند که باید بگونه دقیق و سنجیده شده ای زیگنال روشن و واضحی در مورد شرایط برسمیت شناختن "طالب" ها، ارسال گردد. آنها همچنان خاطرنشان نمودند کاصل در نظر داشت کرا مت بانوان افغان، برابری جنسیتی و... می تواند مسیر برسمیت شناختن حاکمیت کنونی "طالب" ها در افغانستان را بیش از پیش هموار و مساعد نماید.

همه بخوبی می دانند کاصل برسمیت شناختن و کسب مشروعیت بین المللی، از جمله عمده ترین و حیاتی ترین معضلات موجود در قبایل حاکمیت کنونی "طالب" ها در کشور پنداشته می شود.

مسؤل سیاست خارجی اتحادیه اروپا اظهار نمود که نحوه واکنش اتحادیه نامبرده در قبایل بحران موجود در افغانستان، به چگونگی رفتار و اتخاذ نوع موضعگیری مقامات جدید افغانستان بستگی دارد، نامبرده همچنان یادآور شده افزود که هرگونه از سرگیری روابط و مناسبات، از جمله مستلزم رعایت جدی حقوق بشر از جانب "طالب" ها می باشد. نامبرده ادامه داده افزود که گزارش ها و داده هایی از جانب منابع معتبر، مبنی بر نقض سیستماتیک حقوق بشر، خوشبینی مجامع بین المللی را مبنی بر تغییر رویکرد زمان نخستین حاکمیت "طالب" ها در کشور، به یأس مبدل نموده است.

در مورد دلایل گسترش افراط گرایی، بویژه در منطقه خاور میانه بایست یاددهانی بعمل آید که تعریف دقیق محدوده خاور میانه ساده و بسیط نمی باشد، چه بر بنیاد دیدگاه ها و اهداف متفاوت، از هم تفکیک می گردند. تا نیمه سده ۲۰، تعریف متداول از خاور میانه در برگیرنده دولت ها با سرزمین های ترکیه، قبرس، سوریه، لبنان، عراق، ایران، اسرائیل، کرانه غربی، نوار غزه، اردن، مصر، سوئدان و قلمروهایی متنوع عربی بود. اما قابل یاددهانی پنداشته می شود عواملی را که بمفهوم وسیع کلمه موجب بروز و ریشه گیری و در نتیجه بروز و ظهور اسلام رادیکال شده اند، باید شناخت.

می توان اقدامات و انجام عملکردهای تروریستی را بمتابۀ نخستین مصادیق بی ثباتی سیاسی، بویژه در کشورهای میهن عزیز ما افغانستان بحساب آورد. عملکردهای یاد شده می توانست شامل موارد مختلفی از جمله انجام

یورش های مسلحانه به مراکز دولتی یا مکان های عمومی، بمب گذاری ها، اقدامات انتحاری، تهدید ارزش های پذیرفته شده اجتماع و یا انجام اقدامات تخریبکارانه و راکت پراگنی های کوردرقبال اهداف ملکی و غیرنظامی گردد. البته حملات یادشده بیش از همه و قبل از سایر موارد، بمنظور هدف گیری نظامیان خارجی محسوب می گردید، اما در نتیجه اقدامات یادشده، این شهروندان ملکی و بیدفاع کشور بودند که بیشترین تلفات و آسیب های وارده را متحمل می گردیدند. اگر این اتهام که کشور عزیز ما افغانستان مشوق گروه های افراطی بوده و در آغاز سال ۲۰۰۱ به هدف گویا "مبارزه علیه افراط گرایی و تروریسم" سرزمین و اراضی کشور ما مورد تهاجم نظامیان امریکایی قرار گرفت، وضعیت اینچینی، سبب افزایش و گسترش فعالیت های گروه های تروریستی گردیده و در شرایط موجود، بوضاحت مشاهده می گردد که ساحة فعالیتها و مانورهای گروه های تروریستی تکفیری بیش از هر زمان دیگر، وسعت حاصل نموده و شکل گیری مناطق و محلات خطر آفرین و گسترش بی ثباتی سیاسی را بیش از پیش فراهم و مساعد و مهیا نمود. برپیناد گزارش های موجود، در امتداد سال ۱۳۹۲ خورشیدی، ۸۲ درصد قربانیان فعالیت های تروریستی در برگیرنده شهروندان افغانستان، عراق، پاکستان، نایجریا و سوریه بوده اند که عاملین اصلی و عمده آنها، افراط گرایان بوده اند.

این افراط گرایان بودند که برای نخستین مراتبه در کشورهای کویت، بحرین، ترکیه، فلسطین و عربستان با اقدامات و عملکردهای تروریستی متوسل گردیدند. افزایش قابل توجه قدرت افراط گرایان و جنایت هایی که مرتکب شده اند، بخودی خود اسباب تعویق فرآیند دموکراسی را فراهم نموده و شهروندان کشورهای که حاکمان غیرمردمی و نامحبوب بر کشورهای شان حکمفرمایی می نمایند، از ترس و هراس تضعیف حاکمیت های مرکزی و قدرت یابی افراط گرایان مذهبی، مطالبات دموکراسی خواهانه و عادلانه شان را بحالت تعلیق در آورده اند. در وضعیت و شرایط اینچینی، می توان موجودیت استبداد و همچنان نا کارآمدی سیاسی و اقتصادی حاکمیت های موجود در منطقه را بمثابه یکی از جمله عوامل و فاکتورهای اصلی و عمده گسترش و دامنه گیری نفوذ اسلامگرایان تندرو دانست. قابل یاددانهایی پنداشته می شود که محرومیت های اجتماعی، موجودیت فقر گسترده، فساد اداری، انواع وابستگی به غرب، فقدان مشروعیت سیاسی، نبود امنیت اجتماعی و عدم موجودیت حاکمیت قانون، از جمله عکس العمل بنیاد گرایی و افراط گرایی محسوب می گردد که با چنین وضعیتی، اوضاع سیاسی اجتماعی در آینده ها نیز در کشورهای اسلامی و بویژه در خاورمیانه مکرر و مبهم پیشبینی می گردد.

بسیاری ها، موجودیت معضلات و مشکلات موجود در خاورمیانه را در کنار عوامل دیگر، از جمله یکی هم، درگیری های مسلحانه در کشور ما می پندارند. چنین اقامه دعوی می گردد که درگیری های یادشده در مجموع سبب گردید تا سلفی گری سنی جنبه نظامی و خشونت آمیزی بخود اختیار نماید. اقدامات مسلحانه دیگری از جمله یورش نظامیان ایالات متحده بعراق در امتداد سال های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، شکل گیری خیزش ها در کشورهای عربی و ضد و نقیض گویی های منطقوی سبب افروختن شعله های افراط گرایی و تصرف حاکمیت های سیاسی توسط گروه ها و دسته بندی های تندرو شد.

حوادث یادشده بنحوی از انحاء، ثبات سیاسی سایر کشورهای منطقه را نیز مورد تهدید قرار داده و بمثابه القاء کننده جنگ و درگیری های سنی و شیعه پنداشته می شود. افزایش مجدد و حضور پررنگ نظامیان امریکایی در کشورهای عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه آنها به بهانه گویا "مبارزه با اسلامگرایان تکفیری"، بخودی خود موجب افزایش هزینه های امنیتی برخی از کشورها گردید.

موجودیت وضعیت متذکره و حضور یک سلسله عوامل و فاکتورهای جداگانه در عرصه یادشده، زمینه تحقق، توسعه و ایجاد فضای آرامش و تأمین صلح و همکاری و مدارا را در منطقه کمرنگ نموده و بگفته بسیاری ها، آینده مبهم و نامعلومی در زمینه پیشبینی می گردد.

یکشنبه ۹ ماه ثور سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۲۸ ماه اپریل سال ۲۰۲۴ ترسای